

قانون‌گریزی و پیوندهای اجتماعی

(مطالعه موردی: شهر اهواز)

ابراهیم میرزایی*

یعقوب احمدی**، احمد بخارایی***، هوشنگ نایی****

چکیده

از جمله پدیده‌ها و عوامل تنظیم‌کننده نظم اجتماعی قانون است که محور استحکام و انسجام هر جامعه‌ای است. هدف از تحقیق حاضر تبیین قانون‌گریزی بر پایه نظریه پیوند اجتماعی تراویس هیرشی است. از نظر هیرشی پیوند اجتماعی و شبکه اتصالات اجتماعی عامل مهمی در هم‌نوایی و احساس تکلیف افراد در قبال قواعد رسمی و غیررسمی جامعه است. جامعه آماری از بین شهروندان بالای هجده سال شهرستان اهواز انتخاب شده است. یافته‌ها نشان دادند که بیش‌ترین و کم‌ترین حوزه قانون‌گریزی به ترتیب مربوط به قانون‌گریزی راه‌نمایی و رانندگی (میانگین ۳/۰۵) و فرهنگی - آموزشی (میانگین ۲/۴۷) است. مشخص شد که بین متغیرهای جنسیت، وضعیت تأهل، وضعیت درآمد، و وضعیت شغلی رابطه معناداری وجود دارد. ضرایب هم‌بستگی حاکی از رابطه معنادار میان متغیر پیوند اجتماعی با ابعاد قانون‌گریزی و شاخص ترکیبی کل قانون‌گریزی است. در قسمت تحلیل مسیر، بعد اعتقاد به اعتبار اخلاقی - هنجاری بالاترین سهم را در تبیین قانون‌گریزی به خود اختصاص داده است. نتیجه کلی این‌که هرچه فرد حائز پیوندها و شبکه اتصالات اجتماعی قوی‌تری با جامعه باشد، به همان میزان قانون‌مند خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: نظم، قانون‌گریزی، پیوند اجتماعی، تراویس هیرشی، اهواز.

* دانشجوی دکتری رشته جامعه‌شناسی، عضو هیئت علمی دانشگاه پیام‌نور (نویسنده مسئول)،

ebrahimirzae2013@gmail.com

** دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام‌نور، yahmady2001@yahoo.com

*** استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام‌نور، bokharai_ah@yahoo.com

**** دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران، hnayebi@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۳/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۱۴

۱. مقدمه و بیان مسئله

نظم اجتماعی، به مثابه ارزشی متعالی و همگانی، وسیله و هدف همه نظام‌های اجتماعی است که زمینه فعالیت همه افراد جامعه را فراهم کرده است و همواره تبیین آن در بخش مهمی از نظریه‌پردازی در علوم اجتماعی مسئله‌ای کانونی است. حفظ نظم اجتماعی مستلزم حاکمیت مؤثر قانون، هنجارهای سنتی، شبکه‌های چندگانه، مواضع شبکه‌ای، و شبکه‌ای از روابط سیبرنتیکی بین اعضای واحدهای مختلف جامعه مدنی و شهروندان است. حاکمیت قانون ضامن ثبات در جامعه، استحکام روابط اجتماعی در همه فضاها، زندگی، و کارکرد معمول سیستم‌های اقتصادی و سیاسی، علاوه بر سلامت فیزیکی آحاد مردم، است (شلاپتوخ، ۱۳۹۵: ۲۷). اساس نظم اجتماعی در هر جامعه‌ای مجموعه‌ای از ارزش‌ها و هنجارهای رسمی و غیررسمی است که افراد در زندگی روزمره آن‌ها را رعایت می‌کنند. نظم در جامعه‌شناسی به هر عمل‌الگویی یا هر قانون‌مندی‌ای اشاره دارد که در رفتار مردم نمایان است (اسکیدمور، ۱۳۷۲: ۲۲). اگر افراد جامعه به قوانین و مقررات و هنجارهای اجتماعی، که رفتارشان را به منزله مناسب و نامناسب تعریف می‌کند، بی‌اعتنایی کنند، فعالیتشان متوقف یا دچار هرج‌ومرج خواهد شد (احمدی، ۱۳۹۵: ۱۱). آنگاه نظم و انسجام اجتماعی مختل می‌شود و در آن صورت افراد با هنجارها و ارزش‌های اجتماعی مبین نظم اجتماعی هم‌نوا نمی‌شوند و رفتارهای انحرافی و انواع قانون‌گریزی را مرتکب می‌شوند (کلانتری و دیگران، ۱۳۸۴: ۵). از جمله عواملی که نقش تقویت‌بخشی، انسجام‌بخشی اجتماعی، تنظیم، و در نهایت تأمین‌کنندگی نظم اجتماعی را در جامعه بر عهده دارد قانون است که افراد جامعه در پرتو آن می‌توانند، علاوه بر بهره‌مندی از زندگی اجتماعی، از حقوق طبیعی خود نیز برخوردار شوند. بنابراین، می‌توان گفت که محور استحکام و انسجام هر جامعه‌ای توجه به قانون و رعایت آن است (دانایی‌فرد، ۱۳۸۹: ۸). قانون در ادبیات جامعه‌شناسی شامل نظام هنجارهای معیار است که برای تنظیم اعمال انسانی و در جهت تحقق نظارت اجتماعی به گونه‌ای علنی استوار شده است (محسنی، ۱۳۸۶: ۳۶۶). قانون به مثابه نوعی کنترل اجتماعی، که سرچشمه‌اش با تبدیل جوامع بدون دولت به جوامع دولتی هم‌راه است، با دو ویژگی مشخص می‌شود: اول این‌که، الگویی رفتاری است به این علت که انحراف از آن می‌تواند با ضمانت اجرایی روبه‌رو شود که هدفش وادارکردن به اطاعت یا مجازات است؛ دوم این‌که، این ضمانت‌اجراها از سوی هیئتی از کارگزاران به‌کار بسته می‌شوند که اختصاصاً برای اجرای این وظیفه از قدرت بهره‌مند شده‌اند. در جوامع مدرن

امروزی نظام قانونی دولت بیش‌تر در قوه قضائیه جمع شده است و دولت به‌مثابه قوی‌ترین سازمان با ساختارهای اجتماعی معاصر، از طریق دستگاه قانونی خود، قدرتی را که ممکن است به‌وسیله نهادهای دیگر اداره شود تنظیم می‌کند. یکی از کارکردهای اساسی قانون تنظیم، تعریف، و تأیید حقوق بر اموال است؛ خواه عمومی، مشترک، یا خصوصی باشد. قوانین با عرف‌ها متفاوت است که در آن هیئتی اجباراً آن‌ها را به مرحله عمل درمی‌آورند (گرث و میلز، ۱۳۸۰: ۲۷۹). جامعه ایران به علل بسیار مانند جوان بودن ساخت نسبی جمعیت آن، بسط ارتباطات و گسترش تماس فرهنگی با دیگر جوامع، و برخی تحولات اقتصادی - اجتماعی گرفتار نوعی بیماری است که در بیان جامعه‌شناسی از آن به بی‌هنجاری یاد می‌شود. یکی از آثار آشکار شیوع بی‌هنجاری در جامعه قانون‌گرایی و نظم‌گرایی است که در جامعه امروز ما به‌شکل گسترده ظاهر شده است (شجاعی‌زند، ۱۳۷۹: ۴۴). در ایران هیچ‌گاه رویه واحدی براساس قانون جریان نداشته است و افراد همیشه دربرابر آن یکسان نبوده‌اند. به‌همین علت، با ناکارآمدی قانون و مقررات، از همان ابتدا شیوه‌های مختلف عمل براساس دستورالعمل‌ها و هنجارهای سنتی کارآمدتر بوده‌اند. به‌بیانی دیگر، ایرانی‌ها شناخت‌های مبتنی بر روابط رودررو را که از نوع روابط سنتی است معتبرتر از شناخت‌های غیرمستقیم مبتنی بر روابط قراردادی و رسمی می‌دانند. با این وصف، نادیده‌گرفتن قانون و مقررات در جامعه ایران کم‌تر موجب فشارهای هنجاری می‌شود و برعکس، نادیده‌گرفتن هنجارهای غیررسمی و معمول در میان مردم، براساس هویت جمعی غیررسمی و سنتی، با فشارهای زیادی توأم است (معیدفر، ۱۳۸۰: ۹۰). نتایج عمده کتاب‌ها، پژوهش‌ها، و نظرسنجی‌های مربوط به جامعه امروز ایران درباره نظم اجتماعی و قانون‌گرایی نشان‌دهنده گسیختگی اجتماعی، نابه‌سامانی، قانون‌گرایی، و فساد اجتماعی در ساختار کلی جامعه و ابعاد آن در همه سطوح اجتماعی است که در آن تمایل به نظم و قانون‌پذیری کم است. هم‌چنین رتبه ایران در سطح جهانی در میزان و برآورد اعمال قانون براساس شاخص «دبلیو. جی. پی. حاکمیت قانون» (wjp rule of law inde)، که با تأکید بر نه عامل «میزان محدود بودن قدرت دولت»، «نبود فساد»، «باز بودن حکومت»، «حقوق اساسی»، «نظم و امنیت»، «نظارت منظم»، «عدالت اجرایی»، «عدالت کیفری»، و «نظام عدالت غیررسمی» به‌دست آمده است، در بین ۱۱۳ کشور ۸۶ با نمره میانگین ۰/۴۷ است (wjp, 2016) که رتبه مناسبی نیست. بالا رفتن جرائم در هر جامعه‌ای نشان‌دهنده افزایش میزان قانون‌گرایی و کاستن از اهمیت قانون در بین افراد آن جامعه است. استان خوزستان،

در جایگاه استانی با هشت سال سابقه درگیری به‌طور مستقیم با جنگ تحمیلی، در حوزه‌هایی مانند نفت، صنعت، کشاورزی، و ... موقعیتی بسیار عالی دارد و در وضعیتی متناظر با جامعه ایران، با تفاوت‌های قومی - زبانی و گذار از وضعیت سنتی و مواجهه با تغییر و تحولات ناشی از مدرنیته، تغییرات اساسی در حوزه‌های مختلف جامعه را تجربه کرده است؛ به‌طوری‌که، تجلی و پیامد چنین تغییراتی را در شکل‌گیری انواع آسیب‌های اجتماعی و به‌طور کلی قانون‌گریزی می‌توان مشاهده کرد. براساس آخرین گزارش‌های معاون اجتماعی و پیش‌گیری از جرم‌قوه قضائیه، در حال حاضر، رشد ۱۵ درصدی جرایم در کشور را شاهدیم (خبرگزاری فارس، ۹۵/۷/۱۹). طبق گزارش فرمان‌دهی انتظامی استان خوزستان، رتبه خوزستان در میزان جرایم کشور هشتم است و هم‌چنین آمارها از رشد تقریباً سه‌برابری جمعیت کیفری استان از سال ۱۳۷۱ - ۱۳۹۱ حکایت دارند (ممبینی، ۱۳۹۳: ۱۴۰). رئیس مرکز اجرائیات پلیس راهور ناجا استان خوزستان را یکی از استان‌هایی معرفی کرده که در آن بیش‌ترین تخلفات حادثه‌خیز ثبت شده است (سایت پلیس راهور ناجا، ۹۴/۶/۲۱). هم‌چنین دادستان عمومی انقلاب شهر اهواز رتبه خوزستان را در موضوع سرقت پنجم تا هشتم و رتبه نامنی آن را بیست در کل کشور می‌داند (ماه‌نامه طلوع، ۱۳۹۰: ۲). با نگاهی به آمارها و چگونگی جرایم در استان خوزستان نرخ و میزان جرایم و قانون‌گریزی بالا در این استان مشاهده می‌شود. استان خوزستان با مرکزیت اهواز قومیت‌های متعددی دارد و هم‌چون کل جامعه ایران از مناطق در حال گذر از ساخت سنتی به مدرن محسوب می‌شود که در آن پیوندها، تعلق‌ها، و گرایش‌های سنتی بر نظام کنشی، روابط، و تعاملات اجتماعی افراد هنوز حاکم و اثرگذار است. در نتیجه رفتارهای خودمدارانه، خودخواهانه، و تعصبات عشیره‌ای و خویشاوندی مبتنی بر هنجارها و ارزش‌های سنتی غیررسمی بر ضوابط و ملاک‌های قانونی مبتنی بر قانون اثبات‌شده یک‌پارچه ترجیح داده می‌شود. نرخ بالای جرایم در استان خوزستان و شهر اهواز (ناآرامی‌های قومی، قتل، سرقت، تخلفات رانندگی، و ...) نمود و پیامدهای ترجیح و اولویت هنجارها و انتخاب‌های سنتی بر ملاک و رویه‌های قانونی و به‌طور کلی تمکین‌نکردن در برابر قانون از سوی افراد جامعه است. در چنین اوضاعی نظریه پیوند اجتماعی (social bond theory) تراویس هیرشی (T. Hirschi) از جمله نظریه‌های اجتماعی است که با بافت اجتماعی و بستر فرهنگی جامعه مورد مطالعه تناسب و تجانس بیش‌تری دارد. در نتیجه شرح و بسط آن در جامعه‌ای چون ایران، در جایگاه جامعه‌ای چندفرهنگی و

چندقومی، بسیار مفید است (Junger and Marshall, 1997: 100). عناصر کلیدی در نظریه پیوند اجتماعی عبارت‌اند از: دل‌بستگی به هنجارهای فردی و نهادی، تعهد به هم‌نوایی، درگیر شدن در فعالیت‌های مرسوم، و اعتقاد به اعتبار اخلاقی هنجارهای جامعه. بدین ترتیب مدعای تبیینی یا مسئله این تحقیق تحلیل و تبیین نتایج پیوند اجتماعی در قانون‌گزینی است. پیوند اجتماعی در نظریه‌های جرم‌شناسی نقش اصلی را در ایجاد هم‌نوایی و قانون‌گرایی در بین افراد جامعه ایفا می‌کند (Agnew and Brezina, 1997; Agnew and White, 1992; Akers et al., 1985; Cernkovich and Giordano, 1992; Junger and Marshall, 1997; Sampson and Laub, 1997; Thio, 2013). سؤال اصلی پژوهش این است که «پیوند اجتماعی چه نقشی در کنش و رفتارهای قانون‌گريزانه افراد دارد؟». این سؤال کلی چند مسئله جزئی‌تر را در برمی‌گیرد:

- وضعیت و میزان کلی قانون‌گزینی چگونه است؟
- وضعیت و میزان ابعاد قانون‌گزینی عمومی، اداری، اقتصادی - مالی، راه‌نمایی و رانندگی، و فرهنگی - آموزشی، هر کدام به‌طور جداگانه، چگونه است؟
- پیوند اجتماعی در شکل‌گیری وضعیت قانون‌گزینی تا چه میزان تأثیر دارد؟
- چه راه‌کارها و پیش‌نهادهایی برای تقویت قانون‌گرایی می‌توان ارائه داد؟

۲. پیشینه پژوهش

مطالعه پژوهش‌های پیشین بخشی عمده از روش علمی است که به محقق کمک می‌کند تا بینش وسیع‌تری از گذشته و روند فعلی پژوهش در موضوع موردنظر به‌دست آورد. در پژوهش کنونی تحقیقات انجام‌گرفته مرتبط با موضوع را مطالعه کرده‌ایم و نکته قابل‌توجه آن‌که در میان این مطالعه‌ها تحقیق مشابه و یا نزدیک به پژوهش حاضر در داخل کشور یافت نشد. اولین تحقیق تجربی درباره نظریه پیوند اجتماعی تحقیق هیرشی و گودفرسون (۱۹۹۰) با عنوان «نشانه‌های بزه‌کاری» است که با استفاده از نمونه‌ای ۴۰۷۷ نفری از دانش‌آموزان متشکل از گروه‌های قومی قفقازی - آسیای میانه و امریکایی - آفریقایی تبار مشغول به تحصیل در دبیرستان‌های عمومی شهر سانفرانسیسکو انجام گرفته است. داده‌های تحقیق با استفاده از سه منبع اسناد دبیرستان و اسناد عمومی، همراه با جزئیات درباره جوانانی با ارتکاب جرایم، و پرسش‌نامه‌ای مفصل و طولانی شامل آیتم‌های چندگانه مرتبط با مدرسه، شخصیتی، و

اطلاعات درباره کار و روابط والدین و گزارش‌های خود پاسخ‌دهندگان درباره جرایمی چون دزدی و زدوخورد جمع‌آوری شده بود. محققان نتایج را در دسته‌های والدین، مدرسه، و هم‌سالان به صورت مجزا از هم دیگر تفکیک کرده‌اند؛ به صورتی که نظارت و ارتباط قوی به خصوص از سوی مادر موجب شکل‌گیری خودپنداره مثبت و خودکنترلی در فرد و در نتیجه تأثیر قوی در کاهش نرخ بزه‌کاری می‌شود. هم‌چنین نشان داده‌اند که افراد با نمره آموزشی بیش‌تر و مثبت‌تر توانایی بیش‌تری در انجام دادن کارهای مدرسه داشته و در نتیجه بزه‌کاری کم‌تری مرتکب شده‌اند. در پایان، در دسته هم‌سالان نتیجه می‌گیرند کسانی که به عقاید هم‌سالان احترام می‌گذاشته و ارتباط و پیوند مثبت بیش‌تری داشته‌اند کم‌تر مرتکب بزه‌کاری شده‌اند. محققان نتیجه می‌گیرند که پیوند و ارتباط قوی نقش مهمی در کاهش نرخ کج‌رفتاری ایفا می‌کند. تحقیق گیز و دیگران (۲۰۰۳) به شیوه غیرتصادفی و با نمونه‌ای ۴۲۲ نفری از بین دانشجویان با استفاده از پرسش‌نامه‌ای درباره تأثیر مدیریت والدین و ارتباط خانوادگی در شکل‌گیری انحراف انجام گرفته است. به نظر محققان رابطه معناداری بین مدیریت والدین و انحراف وجود دارد؛ به طوری که مدیریت والدین هم‌زمان تأثیر مستقیم و غیرمستقیم در انحراف دارد: از یک سو، موجب خودکنترلی بیش‌تر فرد می‌شود و از سوی دیگر، افرادی که خودکنترلی بیش‌تری دارند به رفتارهای انحرافی کم‌تری می‌پردازند. پورت و دیگران (۲۰۰۶) نیز در تحقیقی متشکل از نوجوانان امریکایی - آفریقایی تبار به تأثیر متغیرهای خانواده و همسایه در بزه‌کاری و سلامت شخصیتی می‌پردازند. اینان در دو موج جداگانه بزه‌کاری را در بین افراد با سن‌های مختلف بررسی می‌کنند. محققان نتیجه می‌گیرند که با بالا رفتن سن بزه‌کاری بیش‌تر می‌شود و هم‌چنین بچه‌هایی با والدین اقتدارگرا کم‌تر مرتکب بزه‌کاری شده‌اند. لانکشر و دیگران (۲۰۰۴) چهار بعد پیوند اجتماعی و ارتباط آن‌ها با سوءاستفاده و تخلف‌های مالی را در بین نمونه‌ای ۱۰۳۶ نفری از مردان مجرد بومی محل، امریکایی - آفریقایی تبارها و قفقازی‌ها، مطالعه کردند. نتایج حاکی از ارتباط قوی بین چهار بعد پیوند اجتماعی با سوءاستفاده مالی است؛ به صورتی که پیوند ضعیف با قواعد و هنجارهای اجتماعی و اعتقاد پایین به قواعد و هنجارهای اخلاقی با سوءاستفاده مالی ارتباطی قوی دارد و هم‌چنین کم‌ویف ارتباط با دوستان و میزان ارتباط نیز در میزان سوءاستفاده اقتصادی - مالی اثرگذار بوده است. جانگر و دیگران (۱۹۹۷) در پژوهشی نظریه کنترل اجتماعی و تأثیر پیوند اجتماعی در نظم اجتماعی را در بین پسران چهار گروه قومی با زمینه اجتماعی متفاوت در نمونه‌ای ۸۱۴ نفری ساکن هلند بررسی کردند. گروه‌های قومی متشکل از ترکیه‌ای، سوری،

مراکشی، و هلندی‌های بومی بودند. محققان معتقدند که اولاً، اعتقاد و باور ضعیف به قانون بستر و عامل مهمی در شکل‌گیری بزه‌کاری در بین هر چهار گروه است؛ دوماً، پیوند با خانواده و مدرسه در پیش‌بینی‌پذیر بودن بزه‌کاری مؤثر است؛ سوماً، به‌استثنای گروه مراکشی، نظارت پایین و ارتباطات ضعیف در خانواده اگر با تضاد زیاد و عملکرد بد در مدرسه همراه باشد، نرخ بزه‌کاری را افزایش می‌دهد؛ چهارماً، زمان فراغت ابزار مهمی برای مشغولیت و درگیر شدن با جامعه و پیوند اجتماعی است و موجب می‌شود تا افراد کم‌تر فعالیت‌های غیرمتعارف و خلاف عرف مرتکب شوند و در نتیجه بزه‌کاری کاهش می‌یابد.

۱.۲ جمع‌بندی پیشینه

با مطالعه و مرور پژوهش‌های قبلی درباره نظریه پیوند اجتماعی، ابعاد نظریه و جوانب بیش‌تری از آن آشکار شد که موجب کارایی و اثربخشی بیش‌تر نظریه می‌شود. تقریباً همه بررسی‌های انجام‌گرفته بر تأثیر پیوند اجتماعی در کاهش و پیش‌بینی‌پذیر کردن رفتار و کنش بزه‌کارانه در حوزه‌هایی چون اقتصادی - مالی، تحصیلی، جرایم خیابانی، آموزشی، و رفتارهای خشونت‌آمیز تأکید داشته‌اند و پیوند اجتماعی را سازوکار مهمی در جهت کنترل و نظارت اجتماعی می‌دانند (Longshore et al., 2004; Gottfredson and Hirschi, 1969; Gibbs). (et al., 2003; Port, 2006; Junger and Marshall, 1997).

۳. مبانی نظری و مدل مفهومی

۱.۳ چهارچوب نظری

نظریه پردازان روی‌کرد نظارت و کنترل اجتماعی (social control) بر این اعتقادند که انسان‌ها موجوداتی با آرزوهای نامحدودند و فرض را بر ارضاناشدنی و سیری‌ناپذیری ماهیت انسان می‌گذارند. براین اساس، معتقدند که بدون توجه به ماهیت انگیزه‌های رفتار مجرمانه ناهم‌نویانه فقط با نظارت‌های خارجی یعنی با کنترل اجتماعی می‌توان آرزوهای بی‌پایان انسان را مهار کرد. کنترل اجتماعی فرایندی است که عوامل رسمی و غیررسمی و منابع مادی و غیرمادی آن را صورت می‌دهند و زمینه پیوند افراد با هم‌نوعان و جامعه را فراهم می‌کنند. تراویس هیرشی مهم‌ترین صاحب‌نظر این روی‌کرد است که در کتاب قیود اجتماعی (Social Bond)، با استفاده از بسط مفهوم کنترل اجتماعی دورکیم، مهم‌ترین رکن

نظارت اجتماعی یعنی پیوند اجتماعی را عاملی اثرگذار در هم‌نوایی افراد با هنجارهای اجتماعی ذکر می‌کند. به نظر وی بهترین سازوکار کنترل اجتماعی در مقابل انحراف این است که ما با دیگران ارتباط داشته باشیم و پیوند بخوریم (Thio, 2013: 158). به بیانی دیگر، نظریه کنترل اجتماعی هیرشی بر این فرض استوار است که اگر مردم پیوندهای قوی با خانواده، مدرسه، هم‌تایان، مذهب، و سایر نهادهای اجتماعی داشته باشند، کج‌روی به حداقل ممکن تنزل می‌یابد و در صورت ازهم‌گسیختگی، تضعیف پیوندهای فرد با جامعه، و آزادی از قیود اجتماعی احتمال وقوع کج‌روی افزایش می‌یابد. به نظر هیرشی، چهار پیوند اجتماعی مثبت از این قرارند: الف) دل‌بستگی به هنجارهای فردی و نهادی (attachment to conventional people and institutions); ب) تعهد به هم‌نوایی (commitment to conformit); ج) درگیر شدن در فعالیت‌های مرسوم (involvement in conventional activitie); د) اعتقاد به اعتبار اخلاقی هنجارها در جامعه (belief in the moral validity of social rule) (کندل، ۱۳۹۲: ۳۰۴).

۱.۱.۳ دل‌بستگی به هنجارهای فردی و نهادی

دل‌بستگی به معنای نزدیک بودن و پیوند عاطفی مثبت با دیگران مؤثر مانند والدین است که این ارتباط پلی برای انتقال آرمان‌ها و انتظارات والدین به فرزندان فراهم می‌کند (Hirschi, 1969: 86). کسانی که به دیگران علاقه و توجه دارند رفاه و احساسات آنان را در نظر می‌گیرند و بنابراین مایل‌اند با مسئولیت عمل کنند. برعکس، کسانی که چنین علاقه‌ای ندارند نگران این نیستند که روابط اجتماعی خود را به‌خطر اندازند، بنابراین، بیش‌تر احتمال دارد که دزدی کنند یا مواد مخدر مصرف کنند. یعنی تعلق خاطر به افراد و نهادها در جامعه یکی از شیوه‌هایی است که فرد خود را از طریق آن به جامعه پیوند می‌زند. ضعف چنین تمایلات و پیوندهایی موجب می‌شود که فرد خود را در ارتکاب کج‌رفتاری آزاد بداند (ستوده، ۱۳۸۵: ۱۳۸).

۲.۱.۳ تعهد به هم‌نوایی

تعهد به هم‌نوایی به معنی تأیید هنجارهای اجتماعی و مرسوم جامعه است که هم‌زمان شخص با بلندپروازی و آرزومندی به دنبال حصول آن‌هاست و همین اوضاع خود موجبات تولید هم‌نوایی را مهیا می‌کند (Hirschi, 1969: 21). در واقع، تعهد یا دینی است که مردم در قبال جامعه دارند. هرچه سرمایه‌گذاری آنان در تحصیلات، شغل، خانه، دوستان، و ... بیش‌تر باشد،

دلیل بیش‌تری برای حفاظت از دستاوردهای خود و هم‌نوایی با دیگران دارند. در نقطه مقابل، کسانی که سرمایه‌گذاری کم‌تری در جامعه دارند خطر کم‌تری در ارتکاب جرم می‌بینند و حتی ممکن است فرصتی برای سود بردن از آن نیز به‌دست آورند (ستوده، ۱۳۸۵: ۱۳۹). افراد در هر جامعه وقت و انرژی خود را صرف دستیابی به اهداف و کسب منزلت و حسن شهرت می‌کنند، به فعالیت‌های متداول زندگی روزمره متعهدند، و از کج‌رفتاری می‌پرهیزند تا موقعیت‌هایی را که به‌دست آورده‌اند حفظ کنند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۷: ۵۲).

۳.۱.۳ درگیر شدن و مشغولیت در فعالیت‌های مرسوم روزمره

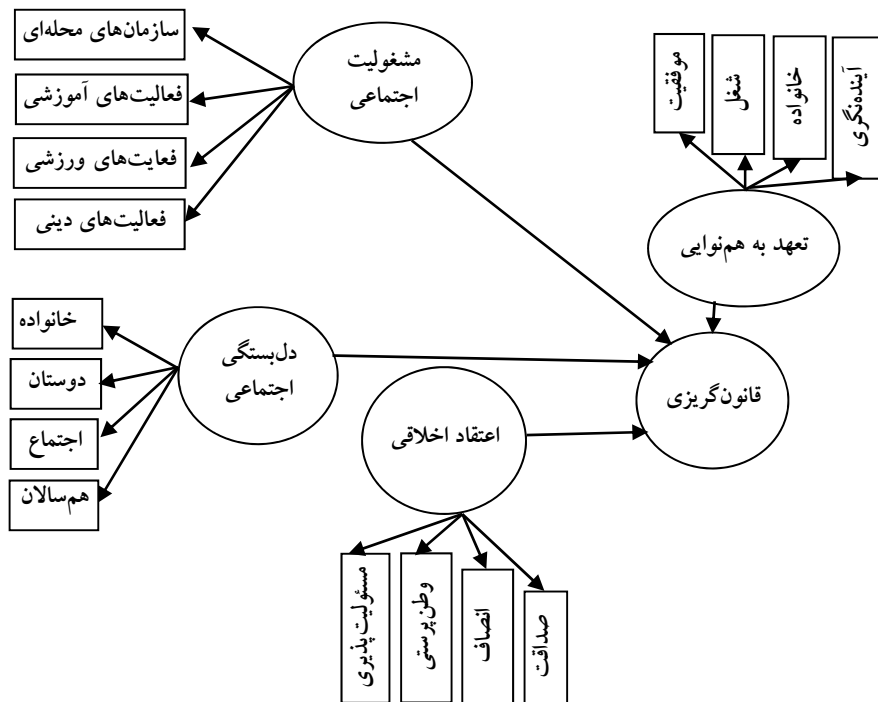
درگیر شدن و مشغولیت به معنای گذراندن مثبت زمان در فعالیت‌های مرسوم و مقبول جامعه مانند کار، ورزش، سرگرمی، و کارهای خانه است. افرادی که فرصت بیش‌تری را به چنین فعالیت‌هایی اختصاص می‌دهند فرصت کم‌تری برای بزه‌کاری دارند (Hirschi, 1969: 187). افراد چنان خود را مشغول هم‌نوایی می‌کنند که برای ارتکاب کج‌رفتاری یا حتی فکرکردن به آن وقتی برایشان باقی نمی‌ماند. درگیر شدن در فعالیت‌های مربوط به زندگی روزمره همه وقت و انرژی آنان را به خود اختصاص می‌دهد و این خود موجب تقویت تعهد می‌شود. معمولاً کسانی که گرفتار کار، زندگی خانوادگی، سرگرمی، و ... می‌شوند کم‌تر فرصت پیدا می‌کنند که در رفتارهای انحرافی شرکت جویند. برعکس آدم بی‌کار فرصت‌های بیش‌تری برای رفتار خلاف دارد؛ یعنی کسانی که کاری ندارند و یا در فعالیت‌های مرسوم جامعه مشارکتی ندارند فرصت بیش‌تری را برای کج‌روی پیدا می‌کنند (ستوده، ۱۳۸۵: ۱۳۹).

۴.۱.۳ اعتقاد به اعتبار اخلاقی هنجارهای جامعه

هیرشی بزه‌کاری را به معنای ضدیت با اعتقادات و اخلاق مرسوم جامعه نمی‌داند و براین اساس کارآیی این پیوند را وابسته به کارآیی و پایداری دیگر پیوندهای اجتماعی می‌داند و معتقد است که شخص ضمن آن‌که باید از قوانین و نظام قانونی و حقوقی حمایت کند هم‌زمان باید آن‌ها را به‌لحاظ درونی و ذهنی بپذیرد (Hirschi, 1969: 26). اعتقاد افراد به اعتبار اخلاقی نظام هنجارهای اجتماعی و رعایت قوانین و مقررات نیز موجب احساس وظیفه اخلاقی درقبال دیگران می‌شود و ضعف چنین اعتقادی راه را برای کج‌رفتاری هموار می‌کند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۷: ۵۳). هیرشی معتقد است که میزان اعتقاد افراد به هنجارهای اجتماعی و رعایت قوانین متفاوت است. هرچه این اعتقاد در فرد

ضعیف‌تر باشد بیش‌تر احتمال دارد که هنجارشکنی کند. وی معتقد نیست که افراد کچرو از قواعد اجتماعی بی‌اطلاع‌اند، بلکه کچروی به میزان قوت و ضعف اعتقاد به هنجارهای اجتماعی مربوط است (بخارایی، ۱۳۹۲: ۵۰۲). بنابراین و برطبق این روی‌کرد، بین تعلق خاطر افراد به جامعه، تعهد آنان به امور متداول و زندگی روزمره هم‌نوا با هنجارهای اجتماعی، درگیر شدن آنان در فعالیت‌های مختلف زندگی، و اعتقاد به نظام هنجاری جامعه، از یک سو، و هم‌نوایی آنان با هنجارهای جامعه، از سوی دیگر، رابطه مستقیم و با احتمال کچرفتاری آنان رابطه معکوس وجود دارد (Hirschi, 1969: 26). بنابراین، هیرشی اثربخشی اعتقادات را وابسته به دیگر پیوندها می‌داند و براین اساس از سه نوع پیوند تلفیقی دیگر نام می‌برد که عبارت‌اند از: دل‌بستگی - تعهد، تعهد - درگیر شدن، و دل‌بستگی - اعتقاد که کاربست هم‌زمان رفتارهای بزه‌کارانه را تبیین‌پذیر می‌کنند (Franzese, 2015: 72).

در شکل زیر، در پرتو مبانی نظری، فرایند و عوامل چهارگانه پیوند اجتماعی هم‌راه با بعضی از شاخص‌های عوامل در شکل‌دهی به کنش انسان به‌نمایش گذاشته شده و براساس آن، مدل تحلیلی - فرضی تحقیق ترسیم شده است:



مدل ۱. مدل تحلیلی - فرضی تحقیق

۴. فرضیه‌های تحقیق

براساس الگوی علی مزبور می‌توان فرضیه‌های محوری را به شرح زیر اشتقاق کرد:

۱.۴ فرضیه اصلی

- بین پیوند اجتماعی و قانون‌گزینی رابطه وجود دارد.

۲.۴ فرضیه‌های فرعی

- بین میزان مشغولیت اجتماعی و قانون‌گزینی رابطه وجود دارد؛
- بین میزان دل‌بستگی اجتماعی و قانون‌گزینی رابطه وجود دارد؛
- بین میزان اعتقاد اخلاقی و قانون‌گزینی رابطه وجود دارد؛
- بین میزان تعهد به هم‌نوایی و قانون‌گزینی رابطه وجود دارد.

۵. روش تحقیق

۱.۵ روش تحقیق و جامعه آماری

پژوهش حاضر مطالعه‌ای توصیفی-تبیینی و روش غالب کمی-پیمایشی (survey) است که به‌منزله روشی پنهانگر استفاده می‌شود تا داده‌های تحقیق را از جامعه واقعی جمع‌آوری کند. در قالب پرسش‌نامه سؤالاتی براساس یافته‌های نظری تحقیق طراحی شده است و گویه‌ها به گونه‌های متفاوتی از جمله دوگزینه‌ای، اسمی، باز، و یا در یکی از سطوح اندازه‌گیری طراحی و توسعه یافته‌اند. از آن‌جاکه تحقیق حاضر پیمایشی است، برای مطالعه رابطه بین متغیرهای پژوهش با قانون‌گزینی نمونه‌ای متشکل از شهروندان بالای هجده سال شهرستان اهواز انتخاب شدند. در انتخاب منطقه مربوط به هر خوشه سعی شد که آن منطقه تنوع، پراکندگی، و ناهم‌گونی جمعیت داشته باشد که ترکیب و بافت اجتماعی، فرهنگی، و اقتصادی متنوعی را به‌نمایش بگذارند. درباره کلیت‌های اجتماعی عقیده بر این است که اجزای متشکله آن‌ها می‌توانند فراهم‌آورنده اطلاعات موردنیاز باشند (کیوی و کامپنهود، ۱۳۷۹: ۱۵۳). انتخاب نمونه‌ها با استفاده از نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی متناسب چندمرحله‌ای صورت گرفت و تلاش شد خوشه‌هایی که جمعیت بیش‌تری دارند شانس انتخاب نمونه بیش‌تری داشته

باشند، از این رو، در هر منطقه بلوک‌های نمونه و نمونه آماری با احتمال متناسب با جمعیت انتخاب شدند. نمونه‌گیری از نوع طبقه‌ای چندمرحله‌ای است، بدین معنا که فهرستی از بلوک‌های هر منطقه تعیین و سپس کوچه‌ای برای نمونه آماری انتخاب شد و در نهایت درون هر کدام از کوچه‌های انتخاب شده به صورت تصادفی پرسش‌نامه‌های تحقیق توزیع و اطلاعات از افراد هر خانوار جمع‌آوری شد. بدین ترتیب حجم نمونه آماری با سطح اطمینان ۹۶ درصد و خطای ۴ درصد برابر با ۳۹۱ نفر محاسبه شد.

۲.۵ پیش‌آزمون (pre-test)، اعتبار، و روایی تحقیق

در این تحقیق برای تطابق پرسش‌نامه با شرایط محیطی خاص و آزمون آن، نخست بین ۶۰ نفر از افراد جامعه آماری پرسش‌نامه توزیع شد و برای بررسی روایی (reliability) شاخص‌هایی که متشکل از چند گویه بودند عمدتاً از آلفای کرونباخ (Cronbach's alpha) استفاده شد.

جدول ۱. ضریب روایی نهایی معرف‌های متغیر وابسته و مستقل

متغیر	مؤلفه‌ها	تعداد معرف‌ها	نتایج آزمون پایایی
۱. متغیر مستقل: پیوند اجتماعی	۱.۱ دل‌بستگی	۸	۰/۸۲۳
	۲.۱ تعهد	۴	۰/۹۰۱
	۳.۱ مشغولیت	۴	۰/۸۷۰
	۴.۱ اعتقاد	۷	۰/۸۶۸
۲. متغیر وابسته: قانون‌گریزی	۱.۲ قانون‌گریزی عمومی	۸	۰/۸۴۳
	۲.۲ قانون‌گریزی اداری	۶	۰/۷۴۳
	۳.۲ قانون‌گریزی اقتصادی - مالی	۸	۰/۷۴۶
	۴.۲ قانون‌گریزی آموزشی - فرهنگی	۵	۰/۸۲۵
	۵.۲ قانون‌گریزی راه‌نمایی و رانندگی	۷	۰/۷۶۱

۳.۵ شاخص‌سازی سازه‌های تحقیق

۱.۳.۵ قانون‌گریزی

قانون‌گریزی پدیده‌ای حقوقی - اجتماعی است که در مقابل قانون‌گرایی قرار دارد. قانون‌گریزی ابعاد و اشکال متعدد و مفهوم عام و گسترده‌تری از قانون‌شکنی دارد. هر

قانون‌شکنی قانون‌گریزی است، ولی هر قانون‌گریزی قانون‌شکنی نیست. قوانین و یا اکثر قوانین در پاسخ به نیازهای شناخته‌شده برای کنترل اجتماعی به‌نحو رسمی وضع می‌شوند. پس قوانین مجموعه‌ای استایی از قواعد نیستند که از نسلی به نسل دیگر منتقل شوند، بلکه انعکاس معیارهای تحول‌پذیر صحیح و ناصحیح و چگونگی شناخت تخلفات و جرایم و تعیین مجازات‌هایند. در این صورت اگر قوانین پاسخ‌گوی نیازها نباشند، پایداری آن‌ها یا اطاعت از آن‌ها دچار تزلزل می‌شود، حتی اگر رفتار مردم قانون‌شکنی باشد. قانون‌گریزی حیلۀ در برابر مقررات است که درجات متفاوتی دارد. یکی از درجات آن تقلب در برابر قانون است (پروین، ۱۳۹۲: ۱۷۷). قانون‌گریزی معطوف به هنجارهایی است که در جامعه به‌مثابه کل جریان دارند. از این‌رو، نقطه‌ی مقابل عمومیت هنجارهای قانونی در جامعه است. بنابراین، اطاعت‌نکردن از عرف‌ها و آداب غیررسمی از سوی کنش‌گران اجتماعی خارج از این تعریف قرار می‌گیرند (رضایی، ۱۳۸۵: ۷۰). به‌طور کلی، قانون‌گریزی رفتاری است که در مخالفت با قوانین رسمی جامعه انجام می‌گیرد و قانون‌گریز کسی است که با رفتار خود به‌صورت آگاهانه و از روی عمد قوانین رسمی جامعه را نادیده می‌گیرد. باتوجه‌به این‌که همه‌ی افراد جامعه در زندگی خود از چند قاعده رسمی تخطی می‌کنند و عده‌ای هم دائماً قوانین را نادیده می‌گیرند، بنابراین قانون‌گریزی طیفی از رفتار است که از قانون‌گریزی دائمی، خشن، و شدید (سرقت، قتل، و ...) تا قانون‌گریزی گاه‌گاهی، غیرخشن، و ضعیف (ندادن مالیات، عبور از چراغ قرمز، و ...) را دربرمی‌گیرد (فیروزجائیان، ۱۳۸۹: ۳۸۵). بر این اساس قانون‌گریزی را برحسب ویژگی‌های آن و باتوجه‌به ابعاد جامعه به قانون‌گریزی عمومی، اداری، مالی، راه‌نمایی و رانندگی، و فرهنگی - آموزشی تقسیم کرده‌ایم:

۱.۱.۳.۵ قانون‌گریزی عمومی

قانون‌گریزی عمومی ناظر به هم‌نوا نبودن اعضای جامعه با هنجارها، اخلاق اجتماعی، و قوانین اجتماعی در چهارچوب قوانین و انتظارات اجتماعی است؛ یعنی افراد، به‌صورت آگاهانه یا ناآگاهانه و به‌صورت عمد و غیرعمد، قواعد و الگوهای عمل خویش را برخلاف قواعد هنجار عمومی تنظیم می‌کنند و برای رسیدن به اهداف خویش از هر راهی که ممکن باشد حرکت و عمل می‌کنند. در چنین اوضاعی ارزش‌های عام مشترک هنجارمند تحت‌الشعاع ارزش‌های ابزاری و منفعت‌طلبانه قرار می‌گیرند و افراد به قواعد و قوانین عام

ناظر بر تحقق آن‌ها کم‌توجه و بی‌اعتنا می‌شوند. به‌بیانی دیگر، شامل آن دسته از اعمال غیرقانونی می‌شوند که بهبودی عمومی جامعه را تهدید می‌کنند و اصول اخلاقی پذیرفته‌شده را به‌چالش می‌کشند (مبارکی و دیگران، ۱۳۸۴: ۹). دامنه و گستره تخلفات این حوزه طیفی از رفتارهای متفاوت هم‌چون «آسیب‌زدن به اموال عمومی»، «فیلم‌برداری از مکان‌های ممنوع»، «رأی‌دادن چندباره در انتخابات»، «استفاده از دفترچه درمانی دیگری»، و «خرید و فروش یا استفاده از مواد مخدر» را دربرمی‌گیرد.

۲.۱.۳.۵ قانون‌گزیزی اداری

عموماً در جامعه‌شناسی از قانون‌گزیزی اداری به فساد اداری تعبیر می‌کنند که عبارت از سوءاستفاده از اداره دولتی است؛ بدین‌صورت که هنجارهای رسمی و غیررسمی را زیر پا می‌گذارد تا به امتیازی غیرقانونی دست یابد، درحالی‌که، نمی‌توانست به‌صورت قانونی به آن دست یابد. فساد اداری تلاش برای کسب ثروت و قدرت از طریق غیرقانونی، سود خصوصی به‌جای سود عمومی، و سوءاستفاده از قدرت دولتی در جهت منافع شخصی است که به‌همین علت رفتار ضداجتماعی محسوب می‌شود (ریبسی، ۱۳۸۳: ۴۸). با وجود تعاریف متعدد درباره فساد اداری، درباره مصادیق اجماع وجود دارد که می‌توان به مواردی چون فساد مالی (ارتشا، اختلاس، و فساد در خریدهای دولتی از بخش خصوصی)، استفاده شخصی از اموال دولتی، کم‌کاری یا صرف وقت در اداره برای کارهایی به غیر از وظیفه اصلی، سرقت اموال عمومی، ترجیح روابط بر ضوابط، و فساد در شناسایی و مبارزه با قانون‌شکنی. دامنه تخلفات این حوزه طیفی از کنش و رفتارهای متفاوت هم‌چون «استفاده از اموال عمومی در محل کار»، «درگیری و بی‌نظمی در محیط کار»، «تغییر متن یا تاریخ نامه اداری»، و «ترجیح دادن روابط شخصی و گروهی بر ضوابط قانونی» را دربرمی‌گیرد.

۳.۱.۳.۵ قانون‌گزیزی مالی

قانون‌گزیزی مالی به اقدامات غیرقانونی و تخلفات آگاهانه یا ناآگاهانه اقتصادی در حوزه کارکنان ادارات، صاحبان شرکت‌ها، یقه‌سفیدان، و به‌طور کلی افراد جامعه در زمینه حمایت از منافع شخصی و گروهی خود به بهای ضربه‌زدن به دیگران و نظم عمومی اطلاق می‌شود. این چنین رفتارهایی برخلاف قانون جنایی است و بدون توسل به زور و مبتنی بر کسب سود و اضرار به مال غیر صورت می‌گیرد. نمونه این نوع قانون‌گزیزی‌ها

گریز از مالیات، خرید و فروش کالای قاچاق، رشوه دادن، و کلاه‌برداری‌های مالی است. دامنه تخلفات این حوزه طیفی از رفتارهای متفاوت هم‌چون «نپرداختن اقساط وام بانکی»، «نپرداختن مالیات»، «استفاده از پول تقلبی»، و «خرید و فروش کالای قاچاق» را دربرمی‌گیرد.

۴.۱.۳.۵ قانون‌گزینی راه‌نمایی و رانندگی

بیروی نکردن، تخلف، و فقدان تعهد اخلاقی - هنجاری از قوانین راه‌نمایی و رانندگی عامل بروز آسیب‌های اجتماعی و مشکلات اقتصادی، فرهنگی، و ... است. تخلف در قلمرو قوانین راه‌نمایی و رانندگی به معنای بی‌توجهی و تجاوز آگاهانه یا ناآگاهانه و اختیاری یا اجباری رانندگان، سرنشینان، عابران پیاده، مأموران راه‌نمایی و رانندگی و راه‌سازی، دارندگان احشام، و به‌طور کلی افراد جامعه از حدود و مقررات و قوانین مصوب در استفاده از تسهیلات حمل‌ونقل و ترافیک است (میرفردی و دیگران، ۱۳۹۲: ۳۱). بنابراین، به نقض عمدی و آگاهانه رفتاری و هنجاری قوانین مربوط به راه‌نمایی و رانندگی شامل شناخت و درک قواعد، اصول، علائم، و وضعیت کلی مربوط به آن از سوی استفاده‌کنندگان تخلف و قانون‌گزینی اطلاق می‌شود. دامنه و گستره تخلفات این حوزه طیفی از رفتارهای متفاوت هم‌چون «پارک کردن اتومبیل در مکان‌های ممنوع»، «رانندگی کردن بدون گواهی‌نامه»، «درگیری فیزیکی با پلیس»، و «گزارش ندادن خسارت به ماشین» را دربرمی‌گیرد.

۵.۱.۳.۵ قانون‌گزینی فرهنگی - آموزشی

به معنای عدول از کارکردهای نظام آموزشی است که به جامعه‌پذیری و آشناکردن افراد با ارزش‌های جامعه می‌پردازد. در این وضعیت افراد به‌جای تبعیت رفتاری از هنجارها و ارزش‌های مشروع و مقبول نظام تحصیلی جامعه به سرپیچی و اطاعت نکردن از آنها می‌پردازند. به بیانی دیگر، قانون‌گزینی فرهنگی - آموزشی به معنای مجموعه‌ای از اعمال خلافی است که افراد مشغول در چنین نظامی با استفاده از وسایل نامشروع به صورت مخفیانه یا آشکار و به‌منظور کسب منفعت و دست‌یابی به اهداف مطلوب برای خود یا دیگری انجام می‌دهند. دامنه و گستره تخلفات این حوزه طیفی از رفتارهای متفاوت هم‌چون «تقلب در امتحانات مراکز آموزشی یا دانشگاه»، «برهم‌زدن نظم عمومی دانشگاه یا دیگر مراکز آموزشی»، «برخورد فیزیکی در مراکز فرهنگی و آموزشی»، و «برهم‌زدن نظم عمومی در مراکز آموزشی و فرهنگی» را دربرمی‌گیرد.

۲.۳.۵. پیوند اجتماعی و کنترل اجتماعی غیررسمی

فرض مهم این مفهوم این است که اگر مردم پیوندهای قوی با خانواده، مدرسه، هم‌تایان، مذهب، و سایر نهادهای اجتماعی داشته باشند، بیش‌تر مشغول و درگیر فعالیت‌های متعارف و مرسوم زندگی اجتماعی می‌شوند و در نتیجه در معرض نظارت و کنترل اجتماعی غیررسمی بیش‌تری قرار می‌گیرند. به‌بیانی دیگر، پیوندهای اجتماعی (social ties) موجب بروز اعتماد متقابل، تعهد، و هم‌نوایی با نظام هنجاری و ارزشی جامعه می‌شوند که در نهایت انتظام‌بخش و مقوم نظم اجتماعی‌اند. بنابراین، گریز از قانون و هنجارهای رسمی به حداقل ممکن تنزل می‌یابد و در صورت از هم‌گسیختگی، تضعیف پیوندهای فرد با جامعه، و آزادی از قیود اجتماعی کنترل اجتماعی کاهش و احتمال وقوع قانون‌گریزی افزایش می‌یابد.

۶. یافته‌های تحقیق

۱.۶. توصیف اجمالی نمونه مطالعه‌شده

از بین ۳۹۱ نفر نمونه مطالعه‌شده ۵۱/۹ درصد مرد (۲۰۳ نفر) و ۴۸/۱ درصد زن (۱۸۸ نفر) بوده‌اند. هم‌چنین به‌لحاظ تأهل، از بین جمعیت پاسخ‌گو ۳۳/۸ درصد مجرد (۱۳۲ نفر) و ۶۶/۲ درصد (۲۵۹ نفر) متأهل بوده‌اند. درباره وضعیت شغلی، ۳۰/۴ درصد (۱۱۹ نفر) دارای شغل دولتی و ۳۸/۱ درصد (۱۴۹ نفر) دارای شغل غیردولتی بوده‌اند. درباره گروه‌های سنی، ۳۶/۶ درصد (۱۴۳ نفر) در گروه سنی ۱۸-۲۷ سال، ۲۲/۵ درصد (۸۸ نفر) در گروه سنی ۲۸-۳۵ سال، ۳۱/۵ درصد (۱۲۳ نفر) در گروه سنی ۳۶-۴۳ سال، و ۹/۵ درصد (۳۷ نفر) بالاتر از ۴۴ سال سن داشته‌اند. به‌لحاظ قومیت، ۹/۲ درصد (۳۶ نفر) فارس، ۴۸/۸ درصد (۱۹۱ نفر) عرب، و ۳۰/۷ درصد (۱۲۰ نفر) بختیاری بوده‌اند.

۲.۶. رتبه‌بندی نمره پاسخ‌گویان در زمینه متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

در جداول زیر توصیف داده‌ها و رتبه‌بندی نمره پاسخ‌گویان در زمینه متغیرهای اصلی تحقیق ارائه شده است:

جدول ۲. توزیع رتبه‌بندی نمره پاسخ‌گویان بر حسب متغیرهای تحقیق

سطح سنجش (درصد) متغیر	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین از ۵	انحراف معیار
--------------------------	---------	----	-------	------	-----------	--------------	-----------------

۱/۲۷	۱/۹۲	۱۴/۸	۱۵/۳	۳۴/۳	۱۸/۲	۱۷/۴	دل‌بستگی هنجاری
۱/۳۰	۳/۶۱	۳۶/۶	۱۵/۳	۲۹/۷	۹/۷	۸/۷	تعهد به هم‌نوایی
۱/۳۸	۲/۹۵	۱۵/۳	۲۶/۶	۱۷/۱	۱۹/۹	۲۱	اعتقاد به اعتبار اخلاقی - هنجاری
۱/۱۵	۳/۲۹	۱۷/۱	۲۵/۶	۳۴/۸	۱۴/۱	۸/۴	مشغولیت و درگیر شدن
۱/۲۵	۳/۰۳	۱۵/۱	۱۹/۲	۳۴/۵	۱۷/۶	۱۵/۶	قانون‌گزینی عمومی
۱/۱۳	۲/۹۵	۱۲/۵	۱۳/۸	۳۹/۶	۲۴	۱۰	قانون‌گزینی مالی - اقتصادی
۱/۱۵	۲/۸۳	۹	۱۲/۳	۳۹/۹	۲۱/۲	۱۷/۶	قانون‌گزینی اداری
۱/۲۶	۲/۴۷	۷/۸	۱۳/۹	۲۶/۶	۲۱/۳	۳۰/۵	قانون‌گزینی فرهنگی - آموزشی
۱/۲۳	۳/۰۵	۱۸/۴	۱۴/۱	۲۹/۹	۲۸/۹	۸/۷	قانون‌گزینی راه‌نمایی و رانندگی
۱/۳۰	۳/۰۳	۱۵/۵	۲۲/۷	۲۷/۴	۱۷/۷	۱۶/۶	شاخص ترکیبی قانون‌گزینی

در خصوص ابعاد متغیر مستقل می‌توان گفت که در مجموع پاسخ‌گویان بیش‌ترین نمره را به تعهد به هم‌نوایی (با میانگین ۳/۶۱) اختصاص داده‌اند؛ یعنی به سرمایه‌گذاری و صرف وقت بیش‌تر در حوزه‌هایی چون تحصیلات، شغل، و خانواده و این نوع سرمایه‌گذاری را ابزاری مفید و کارا برای کسب موقعیت بالاتر و موفقیت در آینده می‌بینند. در مقابل، پایین‌ترین نمره مربوط به بعد دل‌بستگی هنجاری (با میانگین ۱/۹۲) است؛ یعنی افراد دربارهٔ مسئولیت اجتماعی، پیوند عاطفی مثبت، رفاه جمعی، و تمایلات جمعی کم‌تر احساس مسئولیت کرده‌اند و شبکهٔ اتصالات اجتماعی (communal network of connectivit) و انسجام اجتماعی زیادی نداشته‌اند. نتایج ابعاد متغیر وابسته حاکی از آن است که تقریباً همهٔ ابعاد نمرهٔ بالاتر از میانگین به خود اختصاص داده‌اند و بیش‌ترین و کم‌ترین حوزه‌ای که در آن پاسخ‌گویان مرتکب قانون‌گزینی شده‌اند به ترتیب قانون‌گزینی راه‌نمایی و رانندگی (میانگین ۳/۰۵) و فرهنگی - آموزشی (میانگین ۲/۴۷) بوده است. هم‌چنین میانگین شاخص ترکیبی قانون‌گزینی ۳/۰۳ است و بیش‌ترین درصد به سطح سنجش متوسط (۲۷/۴ درصد) تعلق می‌گیرد که به‌طور کلی حاکی از میزان ارتکاب قانون‌گزینی قابل‌اعتنا و تأمل‌دربین شهروندان مطالعه‌شده است.

۳.۶ آزمون فرضیه‌ها

همان‌گونه‌که داده‌های جدول ۳ به تفکیک متغیرهای زمینه‌ای در خصوص قانون‌گزینی نشان می‌دهند، بین متغیرهای وضعیت تأهل، جنسیت، وضعیت درآمد، و وضعیت شغلی

رابطه معناداری وجود دارد. مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد که مجردها (با میانگین ۸۸/۳۲) از متأهل‌ها (با میانگین ۷۱/۸۴) قانون‌گریزترند. هم‌چنین نتایج حاکی از آن است که مردها (با میانگین ۹۶/۷۶) با اختلاف زیاد و تقریباً دوبرابری گریز از قانون بیش‌تری در مقایسه با زن‌ها (با میانگین ۵۰/۴۷) داشته‌اند. هم‌چنین، افرادی با سطح درآمد پایین و کم‌تر از یک میلیون (با میانگین ۸۶/۳۰) مرتکب قانون‌گریزی بیش‌تری در مقایسه با افراد با سطح درآمد بالای یک میلیون (با میانگین ۶۶/۸۶) شده‌اند. براساس اطلاعات جدول، افراد در مشاغل دولتی (با میانگین ۸۶/۱۵) قانون‌گریزی بیش‌تری در مقایسه با افراد در مشاغل آزاد (با میانگین ۷۰/۶۲) داشته‌اند. هم‌چنین مشخص شد کسانی که تجربه مجرمانه داشته‌اند با اختصاص نمره میانگین بیش‌تر از دوبرابر (۱۲۳/۹۲) به خود در مقایسه با افرادی که تجربه غیرمجرمانه داشته‌اند (با میانگین ۵۸/۸۳) قانون‌گریزی بیش‌تری مرتکب شده‌اند.

جدول ۳. تفاوت شاخص ترکیبی قانون‌گریزی به تفکیک متغیرهای زمینه‌ای

معناداری	میزان T	F	انحراف معیار	میانگین قانون‌گریزی	فراوانی	متغیرها	
۰/۰۰۱	۳/۲۹	۹/۴۸	۴۴/۴۴	۸۸/۳۲	۱۰۲	وضعیت	
			۴۲/۲۲	۷۱/۸۴	۲۵۹	تأهل	
۰/۰۰۰	۱۱/۸۲	۱۲۹/۶۵	۴۶/۵۴	۹۶/۷۶	۲۰۳	جنسیت	
			۱۸/۰۹	۵۰/۴۷	۵۸	زن	
۰/۰۰۰	۴/۳۵	۱۱۱/۴۲	۵۴/۰۴	۸۶/۳۰	۱۷۹	وضعیت درآمد	
			۲۶/۳۰	۶۶/۸۶	۱۸۲	بالاتر از یک میلیون	
۰/۰۰۰	۱/۴۹	۵۵/۸۶	۵۹/۴۷	۸۲/۲۹	۱۱۹	وضعیت شغلی	
			۲۸/۹۲	۷۳/۲۴	۱۱۹	غیردولتی	
۰/۰۰۰	۱۶/۹۷	۹۱/۵۹	۴۶/۴۳	۱۲۳/۹۲	۹۸	تجربه مجرمانه	
			۲۵/۲۹	۵۸/۸۳	۲۶۳	خیر	

متغیر مستقل مربوط به پیوند اجتماعی در این‌جا مشتمل بر ابعادی چون دل‌بستگی هنجاری، تعهد به هم‌نوایی، اعتقاد به اعتبار اخلاقی هنجارهای جامعه، و مشغولیت و درگیر شدن در فعالیت‌های مرسوم اجتماعی است که در عاملی به‌نام پیوند اجتماعی ادغام شده‌اند و رابطه آن‌ها با متغیر وابسته و ابعاد آن با استفاده از ضریب هم‌بستگی پیرسون در قالب جدول زیر آورده می‌شود:

جدول ۴. ضرایب هم‌بستگی بین متغیر مستقل و قانون‌گریزی

متغیر وابسته متغیر مستقل	قانون‌گریزی عمومی	قانون‌گریزی اداری	قانون‌گریزی اقتصادی - مالی	قانون‌گریزی آموزشی - فرهنگی	قانون‌گریزی راه‌نمایی و رانندگی	شاخص ترکیبی قانون‌گریزی
پیوند اجتماعی	۰/۳۳۲** ۰/۰۰۰	-۰/۱۳۲** ۰/۰۰۹	-۰/۰۸ ۰/۰۹	-۰/۲۹۴** ۰/۰۰۰	-۰/۱۹۹** ۰/۰۰۰	-۰/۲۳۳** ۰/۰۰۰

P</05*

p</01**

نتایج آزمون پیرسون جدول ۴ بیان‌گر آن است که رابطه معناداری میان پیوند اجتماعی با ابعاد قانون‌گریزی مانند عمومی، اداری، آموزشی - فرهنگی، راه‌نمایی و رانندگی، و شاخص ترکیبی کل قانون‌گریزی وجود دارد. ضرایب هم‌بستگی متغیرها به ترتیب برابر با ۰/۳۳۳، -۰/۱۳، -۰/۲۹، ۰/۱۹، و ۰/۲۳ است که هم‌بستگی معکوس است؛ به طوری که هرچه میزان پیوند اجتماعی، روابط عاطفی فردی - بین فردی، و مواضع شبکه‌ای (network positions) شخص بیشتر باشد، قواعد هنجاری و ارزشی در نزد شخص اقتدار و قداست جمعی پیدا می‌کنند و این وضعیت امکان پیوند و پیوستگی فرد با جامعه را فراهم می‌کند و در نتیجه میزان ارتکاب قانون‌گریزی کم‌تر می‌شود. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که کم‌وکیف پیوند اجتماعی در هنجارپذیری، تعریض، و تعمیم قانون‌گرایی تأثیر دارد. پس باتوجه به نتایج و سطح معناداری کم‌تر از ۰/۰۱ فرضیه تحقیق مبنی بر رابطه بین پیوند اجتماعی و قانون‌گریزی تأیید می‌شود.

جدول ۵. وزن خالص و ناخالص هریک از ابعاد متغیر مستقل بر قانون‌گریزی

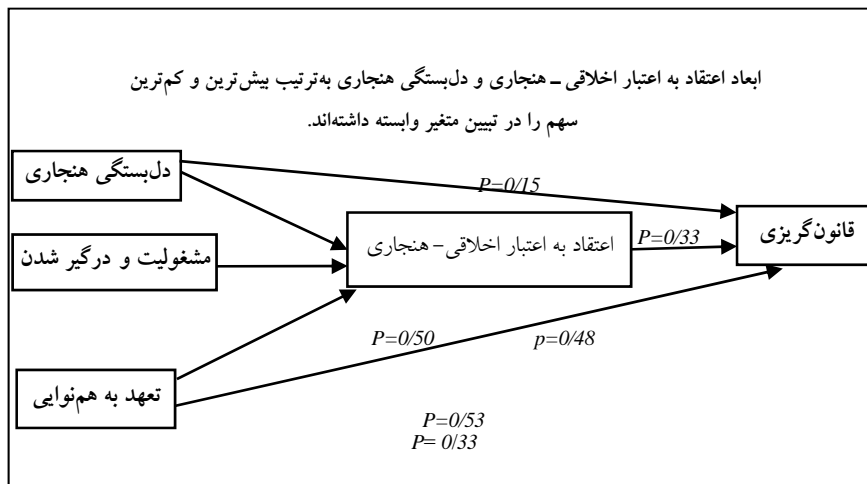
نتایج آزمون تحلیل رگرسیون درباره ابعاد پیوند اجتماعی بر قانون‌گریزی (شاخص ترکیبی) Method=Septwise					ضرایب استاندارد و غیراستاندارد درباره ابعاد پیوند اجتماعی بر قانون‌گریزی (شاخص ترکیبی)				
Sig	F	R ² .adj	R ²	R	Sig	T	Beta	b	متغیرهای داخل معادله
۰/۰۰۰					۰/۰۰۰	۱۴/۲۴۸	---	۱۱۹/۸۴۰	مقدار ثابت
					۰/۰۰۰	-۴/۱۹۹	-۰/۲۷۱	-۲/۵۷۵	مشغولیت اجتماعی
۰/۰۰۰	۱۸/۶۳	۰/۱۵	۰/۱۵	۰/۳۸	۰/۰۰۰	-۵/۲۴۰	-۰/۲۱۶	-۰/۲۱۷	اعتقاد به اعتبار اخلاقی - هنجاری

جدول ۵ سهم نسبی ابعاد متغیر مستقل را نشان می‌دهد و منعکس‌کننده ابعادی است که در الگوها باقی مانده‌اند؛ شاخص کلی قانون‌گزیزی هم به‌منزله متغیر وابسته تحقیق است. یافته‌ها حاکی از آن است که، در میان ابعاد متغیر مستقل باقی‌مانده در معادله، بعد مشغولیت اجتماعی و درگیر شدن در فعالیت‌های مرسوم و متداول جامعه بیش‌ترین سهم را در توضیح قانون‌گزیزی به‌عهده دارد و این در واقع یکی از فرضیه‌های محوری پژوهش حاضر را تأیید می‌کند. بدین معنا که هرچه افراد جامعه بیش‌تر مشغول در فعالیت‌های رسمی و غیررسمی جامعه شوند، بیش‌تر با جامعه و نهادهای داخل آن پیوند می‌خورند و در نتیجه بیش‌تر خود را جزئی از جامعه و اجتماع ملی می‌دانند و بر آن اساس سعی در تعریض و تحکیم هنجارهای اجتماعی دارند و احساس تکلیف بیش‌تری برای انجام آن‌ها خواهند داشت. در این صورت آمادگی عمل بیش‌تری دارند تا به کنش و سلوک اجتماعی هنجارمند در امور روزمره خود بپردازند و در قبال جامعه احساس مسئولیت می‌کنند. به‌دنبال آن بعد اعتقاد به اعتبار اخلاقی هنجارهای جامعه قرار می‌گیرد که به‌ترتیب دارای تأثیر معنادار در قانون‌گزیزی است. این یافته‌ها به این نکته مهم اشاره دارند که هرچه فرد حائز پیوندهای قوی (strong ties) اجتماعی و شبکه اتصال اجتماعی (communal network of connectivity) قوی باشد، به همان میزان در معرض نظارت اجتماعی، انسجام، و انطباق بیش‌تر از سوی اطرافیان و جامعه قرار می‌گیرد و در نتیجه به احساس انومی فردی و جمعی کم‌تری دچار می‌شود و آمادگی بیش‌تری دارد تا قانون و حقوق جامعه و افراد را در رفتار خود رعایت کند. ضریب تعیین (R^2) به‌دست‌آمده قانون‌گزیزی برابر با ۰/۱۵ است. این یافته بدین معناست که ابعاد متغیر پیوند اجتماعی وارد شده در معادله فقط توانسته است ۱۵ درصد از واریانس تغییرات مربوط به متغیر وابسته را تبیین کند. با توجه به نتایج، می‌توان معادلات رگرسیونی استاندارد را به شرح زیر نوشت:

قانون‌گزیزی = مشغولیت اجتماعی (۰/۲۷۱) + اعتقاد به اعتبار اخلاقی - هنجاری (۰/۲۱۶)

ارقام مندرج در معادله به این معناست که با افزایش یک واحد انحراف معیار در متغیر مستقل (مثلاً یک درصد مشغولیت اجتماعی و سرمایه‌گذاری در اجتماع)، رفتار قانون‌گريزانه به اندازه ۰/۲۷ انحراف معیار کاهش می‌یابد. در این جا ملاحظه می‌شود که مجموعه ابعاد پیوند اجتماعی باقی‌مانده در معادله در چهارچوب مفهومی مورد توجه توانسته‌اند در مجموع سهم قابل‌قبولی (۰/۱۵) از تغییرات شاخص کلی قانون‌گزیزی را تبیین و پیش‌بینی کنند.

۴.۶ تحلیل مسیر (path analysis)



مدل ۲. دیاگرام مسیر تنظیم‌شده براساس یافته‌های تجربی پژوهش

همان‌طور که دیاگرام مسیر نشان می‌دهد بعد اعتقاد به اعتبار اخلاقی - هنجاری بالاترین سهم را در تبیین نمره قانون‌گزینی دارد. میزان تأثیر این متغیر ۰/۵۰ است. یعنی درونی و ذهنی شدن هنجارها و ارزش‌های اجتماعی موجب تغییر در نمره و نیز میزان رفتار قانون‌گريزانه می‌شود. به عبارتی، هرچه افراد هنجارهای اجتماعی را به‌لحاظ ذهنی بپذیرند، تعلق خاطر بیش‌تری به جامعه، افراد، و زندگی روزمره پیدا می‌کنند و هم‌نوایی بیش‌تری دارند و بنابراین درقبال دیگران و جامعه احساس وظیفه اخلاقی می‌کنند. تعهد به هم‌نوایی نیز به‌منزله دومین تبیین‌کننده متغیر وابسته با ضریب ۰/۳۳ نشان می‌دهد که هرچه افراد با آرمان‌ها و اهداف متداول و مرسوم جامعه سازگار باشند، سرمایه‌گذاری بلندمدت بیش‌تر و صرف وقت زیادتری برای حصول و کسب اهداف می‌کنند و اساساً دستیابی به آرمان‌های اجتماعی را ابزاری برای کسب منزلت و حسن شهرت می‌بینند و سرانجام کنش‌های قانون‌گرایانه بیش‌تر می‌شود. به بیانی دیگر، هرچه میزان پیوند اجتماعی، شبکه تعاملات، و مواضع شبکه‌ای فرد با جامعه افزایش یابد نمره قانون‌گرایی نیز افزایش می‌یابد. بعد مشغولیت و درگیر شدن اجتماعی نیز به‌طور غیرمستقیم و از طریق بعد اعتقاد به اعتبار اخلاقی - هنجاری در قانون‌گزینی تأثیر دارد. برای محاسبه ضرایب تأثیر مستقیم و غیرمستقیم هریک از متغیرها همه مسیرهایی که به‌طور مکنون با متغیر وابسته ارتباط می‌یابند

در هم‌دیگر ضرب می‌شوند. براین اساس، تأثیر کل بعد دل‌بستگی هنجاری در قانون‌گریزی با تأثیر دل‌بستگی هنجاری و تأثیر اعتقاد به اعتبار اخلاقی - هنجاری در قانون‌گریزی برابر است. برای به‌دست‌آوردن اثر کل بعد دل‌بستگی هنجاری کافی است اثر مستقیم را با اثر غیرمستقیم جمع کنیم: $0/16 + 0/15 = 0/31$

۷. نتیجه‌گیری

نظم اجتماعی ارزشی متعالی و همگانی است که زمینه فعالیت همه افراد جامعه را فراهم می‌کند. حفظ نظم اجتماعی مستلزم حاکمیت مؤثر قانون، هنجارهای سستی، شبکه‌های چندگانه، مواضع شبکه‌ای، و شبکه‌ای از روابط چندگانه متقابل بین اعضای واحدهای مختلف جامعه مدنی و شهروندان است. در نبود نظم اجتماعی و قانون هرج و مرج اجتماعی گسترش می‌یابد و فرصت برای انواع مختلف بزه‌کاری، کژرفتاری، و انواع فساد فراهم می‌شود. قانون‌گریزی نوعی گرایش، تمایل منفی، و جهت‌گیری (orientation) ناهم‌نویانه در برابر قوانین رسمی و هنجارهای قانونی حاکم بر جامعه است که شخص قانون‌گریز به‌صورت آگاهانه و به‌عمد سعی در سرپیچی، شکستن، و اطاعت نکردن از آن‌ها دارد. برای تدقیق بیشتر، مسئله تحقیق را به حوزه‌های چندگانه قانون‌گریزی عمومی، اداری، مالی، راه‌نمایی و رانندگی، و فرهنگی - آموزشی تقسیم کردیم و تحقیق حاضر به هدف آزمون تجربی نظریه پیوند اجتماعی هیرشی و به‌دنبال پاسخ به این سؤال اصلی بود که «آیا بین پیوند اجتماعی و قانون‌گریزی رابطه وجود دارد؟». جدول توزیعی نمرات پاسخ‌گویان نشان می‌دهد که بیش‌ترین نمره را به بعد تعهد به هم‌نویایی (با میانگین ۳/۶۱) اختصاص داده‌اند؛ یعنی به سرمایه‌گذاری و صرف وقت بیش‌تر در حوزه‌هایی چون تحصیلات، شغل، و خانواده. در مقابل، پایین‌ترین نمره مربوط به بعد دل‌بستگی هنجاری (با میانگین ۱/۹۲) است؛ یعنی افراد درباره مسئولیت اجتماعی، پیوند عاطفی مثبت، رفاه جمعی، و تمایلات جمعی کم‌تر احساس مسئولیت کرده و انسجام اجتماعی زیادی نداشته‌اند. نتایج ابعاد متغیر وابسته حاکی از آن است که تقریباً همه ابعاد نمره بالاتر از میانگین به خود اختصاص داده‌اند و بیش‌ترین و کم‌ترین حوزه‌ای که در آن پاسخ‌گویان مرتکب قانون‌گریزی شده‌اند به ترتیب قانون‌گریزی راه‌نمایی و رانندگی (میانگین ۳/۰۵) و فرهنگی - آموزشی (میانگین ۲/۴۷) بوده است. هم‌چنین میانگین شاخص ترکیبی قانون‌گریزی ۳/۰۳ و بیش‌ترین درصد متعلق به سطح سنجش متوسط (۲۷/۴ درصد) است که به‌طور کلی حاکی از میزان ارتکاب

قانون‌گزینی قابل‌اعتنا و تأمل‌دربین شهروندان مطالعه‌شده است. میانگین‌ها نشان می‌دهند که مجردها قانون‌گزین‌تر از متأهل‌ها بوده‌اند و مردها با اختلاف زیاد و تقریباً دوبرابری‌گیز از قانون بیش‌تری در مقایسه با زن‌ها داشته‌اند و این نتایج با یافته‌های فیروزجائیان (۱۳۸۹) و حیدری و دیگران (۱۳۹۱) هم‌سوست. هم‌چنین، برخلاف یافته‌های فیروزجائیان (۱۳۸۹) مشخص شد که افراد با شغل دولتی (با میانگین ۸۶/۱۵) قانون‌گزینی بیش‌تری در مقایسه با افراد با شغل آزاد (با میانگین ۷۰/۶۲) داشته‌اند و این خود شاید یافته‌ای جدید باشد مبنی بر این که مطالعه قانون و قانون‌گزینی ویژگی پیچیده‌ای دارد؛ به‌طوری‌که، برخلاف دیدگاه‌های رایج، داشتن شغل رسمی دولتی الزاماً به‌معنای هم‌نوایی و هم‌راهی با قوانین نیست و باید هم‌زمان، ضمن آموزش عمومی افراد جامعه، به نظارت و سازوکارهای ضمانت اجرا درباره اجرای درست قانون از سوی مجریان توجه کرد. به‌بیانی دیگر، باید به خود قانون، اجرای قانون، مجریان قانون، تصمیم‌سازان قانونی، نهادهای مجری، و مسئول قانون توجه نشان داد. هم‌چنین نتایج نشان داد که افراد با سطح درآمد پایین و کم‌تر از یک میلیون (با میانگین ۸۶/۳۰) مرتکب قانون‌گزینی بیش‌تری در مقایسه با افراد با سطح درآمد بالای یک میلیون (با میانگین ۶۶/۸۶) شده‌اند که با تحقیق حیدری و رضادوست (۱۳۹۱) ناهم‌سوست. براساس اطلاعات جداول، هم‌چنین مشخص شد کسانی که تجربه مجرمانه داشته‌اند با اختصاص نمره میانگین بیش‌تر از دوبرابر (۱۲۳/۹۲) در مقایسه با افرادی که تجربه اعمال مجرمانه نداشته‌اند (با میانگین ۵۸/۸۳) قانون‌گزینی بیش‌تری مرتکب شده‌اند. در سطح تحلیل دومتغیری، باتوجه‌به نتایج آزمون‌های آماری، رابطه قانون‌گزینی با اغلب ابعاد متغیرهای مدل فرضی تأیید شد، ولی در تحلیل‌های چندمتغیری حدود سه بعد در معادله باقی ماند که ترکیب آن‌ها در مدل نظری به‌دست آمد. یافته‌های منتج از رگرسیون به این نکته مهم اشاره داشتند که هرچه فرد پیوندهای قوی اجتماعی و شبکه اتصال اجتماعی قوی‌تری با جامعه داشته باشد، به همان میزان در معرض نظارت اجتماعی، انسجام، و انطباق بیش‌تری با اطرافیان و جامعه قرار می‌گیرد و در نتیجه به احساس آنومی فردی و جمعی کم‌تری دچار می‌شود و آمادگی بیش‌تری دارد تا قانون و حقوق جامعه و افراد را در رفتار خود رعایت کند. بنابراین فرضیه محوری و سؤال اصلی تحقیق مبنی بر وجود رابطه بین میزان پیوند اجتماعی و قانون‌گزینی تأیید شد.

این نتایج با یافته‌های گودفرسون و دیگران (۱۹۹۰)، لانکشر و دیگران (۲۰۰۴)، جانگر و دیگران (۱۹۹۷)، و عبداللهی (۱۳۷۸) هم‌سویی بسیار بالایی دارد. بدین‌معنا که پیوند

اجتماعی عنصر اصلی تشکیل‌دهنده سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از منابع بالقوه و بالفعل و شبکه تعاملات در دسترس فرد است که به واسطه آن شخص با اطرافیان و دیگران ارتباط و پیوند برقرار می‌کند و ارتباطات اجتماعی رسمی و غیررسمی تسهیل می‌شود. پیوند اجتماعی و روابط اجتماعی امکان شکل‌گیری هم‌بستگی گروهی، اعتمادکنندگی (trusting behavior) و اعتمادپذیری (trustworthiness) کنش‌گران اجتماعی به هم، دل‌بستگی و تعلق خاطر فرد به جمع، اخلاق مسئولیت (responsibility ethic)، تعهد فرد به جمع، و احساس تکلیف بیش‌تری برای فرد در جهت تعهدات اجتماعی (social commitment) مهیا می‌کند و در نتیجه سازوکار کنترل و نظارت اجتماعی برای سمت‌دهی به سلوک اجتماعی افزایش می‌یابد. هم‌چنین نباید از نقش شاغلان در ادارات و نهادهای رسمی و مجموعه سازوکارهای ضمانتی (پاداش و تنبیه) برای اجرای قانون غافل شد، چراکه بسیاری از کنش‌های قانون‌گريزانه به دست خود همین مجریان رسمی قانون و یا به صورت قانونی در نهادهای رسمی نهادینه شده‌اند. کلام واپسین این‌که با نبود قانون و پیوند اجتماعی افراد با جامعه شرایط برای بروز رفتارها و کنش‌های جامعه‌گریزی، انواع کژرفتاری، انواع جرایم، رفتارهای هیجانی، انومی اجتماعی، و به‌طور کلی انواع قانون‌گریزی در همه حوزه‌های جامعه و در همه سطوح فراهم می‌شود.

۸. پیش‌نهادهای تحقیق

با امعان نظر در نتایج و یافته‌های تجربی پیش‌نهادهایی به شرح ذیل ارائه می‌شود:

- تعاملات (رسمی و غیررسمی) اجتماعی و پیوندهای انضمامی (concrete ties) افراد با خانواده، گروه‌های اجتماعی ساختاری و طبقه‌بندی‌شده، گروه‌های کاری، و به‌طور کلی مجموعه گروه‌ها و شبکه‌های تعاملی در انسجام و پیوستگی فرد با جامعه و تنظیم کنش وی مؤثرند.
- یکی از ابعاد مهم نظریه پیوند اجتماعی درگیر شدن و مشغولیت اجتماعی در فعالیت‌های مرسوم و متداول جامعه مانند کار و شغل است و افرادی که به چنین فعالیت‌های مادی می‌پردازند کم‌تر فرصت قانون‌گریزی دارند؛ بنابراین، باید شرایط مشغولیت اجتماعی هم‌چون ازدواج و اشتغال توأم با نظارت افراد فراهم شود، زیرا داشتن شغل بدون نظارت و یا هم‌زمان نداشتن شغل در نبود کنترل و نظارت

اجتماعی وجه مشترکی دارند و به صور مختلف می‌توانند شرایط را برای قانون‌شکنی تسهیل کنند از جمله: طرد اجتماعی، محرومیت مادی، و محرومیت از به‌کارگیری قابلیت‌های فردی. در نتیجه نبود فرصت برای پیوند فرد با گروه‌های شغلی مانع از تولید هویت جمعی، تعهد جمعی، و نظارت بیرونی بر خود می‌شود و اوضاع برای قانون‌شکنی بیش‌تر فراهم می‌شود.

- باتوجه‌به بعد تعهد به هم‌نوایی، باید ارتقای سطح فرهنگی و تعمیم زبان و فهم مشترک از هنجارهای فرهنگی و اجتماعی، نظیر قانون و قواعد حقوقی، در جامعه به شیوه‌ای خردمندانه و قابل‌قبول برای همگان فراهم شود که به تقویت حس مثبت و تعهد و تکلیف در برابر هنجارهای قانونی بینجامد.

- قانون‌گریزی هم‌زمان هم علت و هم نتیجه کاهش سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی، نقاط اتصال و گره‌های به‌هم‌پیوسته، و نیز پیوندهای اجتماعی در جامعه است. کاهش سرمایه اجتماعی موجب اختلال در نظام کنشی و تعاملات درون‌گروهی و بین‌گروهی و به‌طور کلی بی‌تعهدی فرد در قبال هنجارهای رسمی و غیررسمی جامعه می‌شود. از آن‌جاکه، به‌باور اندیشمندان متعدد، تخریب و فرسایش سرمایه اجتماعی را در ایران شاهدیم، ضمن جلوگیری از فرسایش بیش‌تر آن، باید به تقویت و اعتماد تعمیم‌یافته در قسمت‌هایی هم‌چون تنظیم و تصویب قانون، اجرای قانون، حاکمیت قانون، و ... پرداخت.

- در پرتو بعد اعتقاد به اعتبار اخلاقی هنجارهای اجتماعی، و از آن‌جاکه قانون یک امر و میثاق ملی است که دولت و هیئت‌حاکمه به‌مثابه ابزار کنترل رسمی اجتماعی به‌کار می‌گیرند و ضمانت اجرایی پیدا می‌کند، باید به قانون به‌منزله سازوکار انسجام اجتماعی نگریسته شود و شکل‌گیری این وضعیت منوط به بسترسازی و همکاری مردم از طریق نهادهای مدنی و عضویت در آن‌هاست که در نهایت به مفاهمه و وفاق فرهنگی و اجتماعی بینجامد.

کتاب‌نامه

- احمدی، حبیب (۱۳۹۵). *جامعه‌شناسی انحرافات*، تهران: سمت.
- اسکیدمور، ویلیام (۱۳۷۲). *تفکر نظری در جامعه‌شناسی*، ترجمه رجب‌زاده و دیگران، تهران: سفیر.
- بخارایی، احمد (۱۳۹۲). *جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی در ایران*، تهران: جامعه‌شناسان.

- پروین، فرهاد (۱۳۹۲). «قانون‌گریزی، نقض متقابل حقوق شهروندی»، مجله پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، س ۱۹، ش ۲ (پیاپی ۹۷).
- حیدری، آرش، کریم رضادوست، و شهر روز فروتن‌کیا (۱۳۹۱). «نظریه ازهم‌گسیختگی نهادی و قانون‌گریزی: مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز»، فصل‌نامه مسائل اجتماعی ایران، س ۳، ش ۲.
- دانیایی‌فرد، حسن، عادل آذر، و حسن صالحی (۱۳۸۹). «قانون‌گریزی در ایران: تبیین نقش عوامل سیاسی، اقتصادی، قانونی، مدیریتی، و اجتماعی - فرهنگی»، فصل‌نامه دانش انتظامی، س ۱۱، ش ۳.
- رضایی، محمد و حمید عبداللهی (۱۳۸۵). «جامعه بی‌انضباط؛ فراتحلیل قانون‌گریزی در ایران»، فصل‌نامه مطالعات ملی، س ۷، ش ۳.
- ربیعی، علی (۱۳۸۳). *زنده‌یاد فساد*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۵). *آسیب‌شناسی اجتماعی*، تهران: آوای نور.
- شجاعی‌زند، علی‌رضا (۱۳۷۹). «نظم‌ستیزی و قانون‌گریزی»، امنیت، ش ۱۴، تابستان.
- شلاپتوخ، ولادیمیر (۱۳۹۵). *نظم اجتماعی در جامعه معاصر*، ترجمه اصغر صارمی شهاب، تهران: جامعه‌شناسان.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۷). *آسیب‌شناسی اجتماعی*، تهران: سمت.
- عبداللهی، محمد (۱۳۷۸). *موانع قانون‌گریزی و راه‌های مقابله با آن*، در *قانون‌گرایی و فرهنگ عمومی*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فیروزجانیان، علی‌اصغر (۱۳۸۹). «قانون‌گریزی (تحلیلی از منظر نظریه عدالت رویه‌ای)»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، س ۱۱، ش ۴۲.
- کلاتری، صمد، رسول ربانی، و کامران صداقت (۱۳۸۴). «ارتباط فقر با قانون‌گریزی و شکل‌گیری آسیب اجتماعی»، فصل‌نامه رفاه اجتماعی، س ۵، ش ۱۸.
- کندال، دیانا (۱۳۹۲). *جامعه‌شناسی معاصر*، ترجمه فریده همتی، تهران: جامعه‌شناسان.
- کیوی، ریمون و لوک وان کامپنهود (۱۳۷۹). *روش تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: توتیا.
- گرث، هانس و سی رایت میلز (۱۳۸۰). *منش فرد و ساختارهای اجتماعی (روان‌شناسی نهادهای اجتماعی)*، ترجمه اکبر افسری، تهران: آگه.
- مبارکی، محمد (۱۳۸۴). «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و جرم»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه جامعه‌شناسی.
- محسنی، منوچهر (۱۳۸۶). *بررسی در جامعه‌شناسی فرهنگی ایران*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر، و ارتباطات.
- معیدفر، سعید (۱۳۸۰). «نابه‌سامانی اجتماعی یا سازگاری عرفی»، *نامه انجمن جامعه‌شناسی*، ویژه‌نامه دومین همایش مسائل اجتماعی ایران، ش ۳.

قانون‌گزینی و پیوندهای اجتماعی؛ (مطالعه موردی: شهر اهواز) ۱۳۳

میرفردی، اصغر، سیروس احمدی، و راضیه امیری (۱۳۹۲). «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و آگاهی ترافیک با نظم‌گزینی عابران پیاده (مورد مطالعه: شهر یاسوج)»، فصل‌نامه پژوهش‌های راه‌بردی امنیت و نظم اجتماعی، س ۲، ش ۶.

ممبینی، ایمان (۱۳۹۳). *دلایل افزایش جمعیت کیفری زندان‌های استان خوزستان*. سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، اداره کل زندان‌های خوزستان.

- Agnew, R. and T. Brezina (1997). "Relational Problems with Peers, Gender and Delinquency", *Journals Youth and Society*, Vol. 29.
- Agnew, R. and H. R. White (1992). "An Empirical Test of General Strain Theory", *Criminology*, Vol. 30.
- Akers, R. L. and J. K. Cochran (1985). "Adolescent Marijuana Use: A Test of Three Theories of Deviant Behavior", *Deviant Behavior*, Vol. 6.
- Cernkovich, S. A. and P. Giordano (1992). "School Bonding, Race, and Delinquency", *Criminology*, Vol. 30.
- Franzese, Robert J. (2015). *The Sociology of Deviance; Differences, Tradition, and Stigma*, Springfield, Ill.: Charles C. Thomas Publisher.
- Gibbs, J. J., D. Giever, and G. F. Higgins (2003). "A Test of Gottfredson and Hirschi's General Theory Using Structural Equation Modeling", *Criminal Justice and Behavior*, Vol. 30.
- Gottfredson, M. R. and T. Hirschi (1990). *A General Theory of Crime*, Stanford, CA: Stanford University Press.
- Hirschi, T. (1969). *Causes of Delinquency*, Berkeley, CA: University of California Press.
- Junger, M. and I. H. Marshall (1997). "The Inter-Ethnic Generalizability of Social Control Theory: An Empirical Test", *Journal of Research in Crime and Delinquency*, Vol. 34.
- Longshore, D. et al. (2004). "Self-Control and Social Bonds: A Combined Control Perspective on Deviance", *Crime and Delinquency*, Vol. 50.
- Sampson, R. J. and J. Laub (1997). *Crime in the Making: Pathways and Turning Points Through Life*, Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Thio, A. (2013). *Deviant Behavior*, Boston: Pearson.
- WJP. Transparency International, from <<http://www.transparency.org>>.